

زبان عربی

عین الأنسب فی الجواب للترجمة أو التعریب أو المفهوم:

۱- «و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عندالله!»:

- ۱) و هر چه برای خودتان از نیکی پیش بفرستید، آن را نزد خدا می‌یابید!
- ۲) و چیزی را که برای خویش پیش فرستادید، آن را نزد خدا بیابید!
- ۳) و هر چه برای خویش فرستاده باشید، آن نزد خداوند یافت می‌شود!
- ۴) آن چه را که برای خود پیش بفرستید، آن را نزد پروردگار می‌یابید!

۲- «كان المزارع یربّي الخضراوات فی الحقل و هو لا یشعر بالتعب!»:

- ۱) کشاورزی که سبزیجات را در کشتزار پرورش می‌داد، اصلاً احساس خستگی نمی‌کند!
- ۲) کشاورز، سبزیجات را در کشتزارها پرورش می‌دهد، درحالی که خستگی را احساس نمی‌کند!
- ۳) کشاورز، سبزیجات را در کشتزار پرورش داده بود، درحالی که خستگی را احساس نکرد!
- ۴) کشاورز، سبزیجات را در کشتزار پرورش می‌داد، درحالی که احساس خستگی نمی‌کرد!

۳- «عمر نوع من تلك الأشجار المرفعة قد یصل إلى أكثر من أربعمئة سنة!»:

- ۱) یک نوع از آن درختان بلند وجود دارد که عمرش به بیش از چهارصد سال می‌رسد!
- ۲) عمر نوعی از آن درختان مرتفع به بیش از چهار هزار سال رسیده است!
- ۳) عمر یک نوع از آن درختان بلندتر گاهی به بیش‌تر از چهل سال می‌رسد!
- ۴) عمر یک نوع از آن درختان بلند گاهی به بیش‌تر از چهارصد سال می‌رسد!

۴- «الحياة أقصر مما نظنّ فعلینا أن نتعلّم فنوناً تُساعدنا فی نموّنا الاجتماعی!»:

- ۱) زندگی از آن چه که گمان می‌کنیم کوتاه‌تر است، ما باید هنری را یاد بگیریم که به رشد اجتماعی ما کمک کند!
- ۲) زندگی کوتاه است مانند آن چه که می‌پنداریم پس ما باید هنرهایی که به رشد اجتماعی کمک می‌کند، یاد بگیریم!
- ۳) زندگی کوتاه‌تر از آن چه است که می‌پنداریم پس ما باید هنرهایی را بیاموزیم که به رشد اجتماعی ما کمک کند!
- ۴) حیات ما کوتاه‌تر از تصور ماست پس ما هنرهایی را که به ما در رشد اجتماعی مان کمک کردند، آموختیم!

۵- «لا خیر فی وذلّ انسانٍ یشجعنا إلى الأعمال القبیحة الّتی تؤدّي إلى فضحنا!»:

- ۱) انسانی که ما را به کارهای زشتی که به رسوایی مان منجر شده تشویق کند، هیچ خیری ندارد!
- ۲) هیچ خیری نیست در دوست داشتن انسانی که ما را به کارهای زشتی که منجر به رسوایی مان می‌شود، تشویق می‌کند!
- ۳) در دوست داشتن انسانی که ما را به کارهای زشتی که به رسوایی مان منجر شود، تشویق می‌کند، خیری نیست!
- ۴) در دوستی با انسان تشویق‌کننده به کارهای زشتی که به رسوایی مان منجر شده، خیری وجود ندارد!

۶- عین الصحیح:

- ۱) إن شکوت إلى الطیر نحن فی الوکنات: اگر به پرندگان شکایت کنم در لانه شیون می‌کنند!
- ۲) «إن ربک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیله»: پروردگارت به کسی که از راهش گمراه گشته، آگاه‌تر است!
- ۳) «إن تنصروا الله ینصرکم و یتبّت أقدامکم»: هرگاه خدا یاری شود، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌کند!
- ۴) یعدّ الحوت الأزرق أكبر الکنائن الحیة فی العالم: نهنگ آبی از موجودات بزرگ زنده در جهان به حساب می‌آید!

۷- عین الخطأ:

- ۱) کتّا نمشی فی الشاطی و تحرق الرمال أقدامنا: در ساحل قدم می‌زنیم و شن پاهایمان را می‌سوزاند!
- ۲) یعدّ إيجاد النفایات الصناعیة من مهذّذات الطبیعة: به وجود آوردن زباله‌های صنعتی از تهدیدکننده‌های طبیعت به شمار می‌رود!
- ۳) کانت له أخت و تلاعبه قبل عشرين سنة: یک خواهر داشت و بیست سال پیش با او بازی می‌کرد!
- ۴) ما أسرع نموّ هذا الحیوان الذکی: رشد این حیوان باهوش چه شتابان است!

۸- «از بازیکنی خوشم می‌آید که سعی می‌کند گل‌های جذابی را ثبت کند!»:

- ۱) یعبّنی لاعب یسعی أن یسجّل أهدافاً رائعة!
- ۲) أنا أحبّ اللاعب کأنه یجتهد حتی یسجّل أهدافاً خلاباً!
- ۳) لاعبٌ یعبّنی یسعی لتسجیل الأهداف الرائعة!
- ۴) یعبّنی لاعبٌ یحاول أن سجّل هدفاً جمیلاً!

۹- عین المناسب فی المفهوم: «من جرّب المُجرّب حلّت به الندامة!»:

- ۱) ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش / بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش
- ۲) از دوستان عهد بسی آزموده‌ام / کس را به گاه عهد وفایی نیافتم
- ۳) کسی را که آزمودی چند و چونش / مکن زنهار دیگر آزمونش
- ۴) صائب به این خوشم که مرا آزموده‌اند / شیرین لبان به باده تلخ عتاب‌ها

** عَيِّن الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

١٠- «من يتوكل على الله و يُحاول لتحقيق أموره ينصره الله!»:

- (١) يتوكل: مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (تفعل) - لازم / الجملة فعلية و شرطية
- (٢) الله: اسم - مفرد مذكر - لفظ الجلالة - معرفة / مجرور بحرف الجرّ
- (٣) أمور: اسم - مفرد مذكر - اسم تفضيل - معرب / مضاف إليه
- (٤) ينصر: للغائب - مضارع - مجرد ثلاثي - متعدّد / فعل و جواب الشرط

١١- «كل وعاء يضيق بما جُعل فيه إلّا وعاء العلم فإنّه يتسع!»:

- (١) كل: اسم - مفرد مذكر - نكرة - معرب / مبتدأ و مرفوع
- (٢) يضيق: مضارع - مجرد ثلاثي و ماضيه «ضاق» - معلوم / الجملة فعلية
- (٣) جُعل: فعل ماضى - للغائب - مبنى للمجهول - متعدّد / فعل و الجملة فعلية
- (٤) وعاء: اسم - مفرد مذكر - معرب / مفعول به و منصوب

١٢- «أ تأملين أن تعيشى حتى تأكلي من أثمارها الطازجة!»:

- (١) تأملين: مضارع - للمخاطبة - مزيد ثلاثي - مبنى للمعلوم / الجملة فعلية
- (٢) تأكلي: للمخاطبة - مضارع - مجرد ثلاثي - متعدّد / فعل و مع فاعله
- (٣) أثمار: جمع تكسير أو مكسر و مفردة «ثمر» - معرب / مجرور بحرف الجرّ
- (٤) الطازجة: اسم - مفرد مؤنث - معرّف به «أل» / صفة للموصوف «أثمار»

** عَيِّن المناسب في الجواب عن الأسئلة

١٣- عَيِّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) سَلِ المَصانِعَ رَكْباً تَهيمُ في الفَلواتِ.
- (٢) قَرَّرَ الصاحبُ أَنْ يَتَخَلَّصَ مِنْهُ.
- (٣) كُلُّ شَيْءٍ يَرُخَّصُ إِذَا كَثُرَ إِلاّ الأَدبُ.
- (٤) يُحَكِّي أَنْ مُزارِعاً كَانَتْ لَهُ مَزْرَعَةٌ.

١٤- عَيِّن ما ليس فيه جمع مكسّر:

- (١) الأمطار الحمضية تُعدّ من مهدّات البيئة.
- (٢) نقّار الخشب ينقر جذوع الشجرات كثيراً.
- (٣) الوالد يُقدّم لابنه مواعظ قيّمة.
- (٤) قد تُفتش عين الحياة في الظلمات.

١٥- عَيِّن ما فيه اسم المكان و اسم الفاعل معاً:

- (١) علينا أن لا نرفع أصواتنا فوق صوت المخاطب.
- (٢) ذلك متجر زميلي، له سراويل أفضل.
- (٣) قام المدرس بإغلاق أبواب المكاتب.
- (٤) هذه الموظفة تشتغل في مطبعة.

١٦- عَيِّن ما فيه جملة شرطية:

- (١) من يصبر أمام المصائب حتى يساعده الله.
- (٢) إنّ الله يحبّ الصابرين و يحميهم.
- (٣) ما فهمت أنّ المعلم متى يرجع إلى الصفّ.
- (٤) و ما تفعلوا من خيرٍ يَعلمه الله.

١٧- عَيِّن ما فيه اسم المفعول:

- (١) أحبّ هذا الفرع فسوف أصير مهندساً زراعياً.
- (٢) تخريب البيئة مشهود في أفعال الإنسان.
- (٣) مدرس الكيمياء يدرّس علم الكيمياء بالرغبة و الشوق
- (٤) الفلاح يزرع القمح في مزرعته.

١٨- عَيِّن «من» يختلف عن الباقي:

- (١) مَنْ يُفكّر قبل أن يفعل شيئاً فهو يفيد.
- (٢) من الناس من يستهزؤون الآخرين بألقاب قبيحة.
- (٣) من يعرف مكانة نفسه في المجتمع يعرف ربه.
- (٤) من يقرأ آراء العلماء تتغيّر نظرتهم.

١٩- عَيِّن المستثنى منه محذوفاً:

- (١) لم ترجع إلى ساحة المدينة إلّا أختي.
- (٢) جمعت أنواع الكتب العلمية إلّا الكيمياء.
- (٣) كنّا نزرع زملاءنا الأعزّاء إلّا محسناً.
- (٤) كلّ شيءٍ يرخّص إذا كَثُرَ إلّا الأدب.

٢٠- عَيِّن ما ليس فيه أسلوب الاستثناء:

- (١) نجد زملاءنا مجتهدين إلّا هذا الزميل.
- (٢) شاورهم بكلّ سرورٍ إلّا من منّعك من المشاورة.
- (٣) عباد الله محبوبون عنده إلّا المنافقين منهم.
- (٤) أمرنا الله ألاّ نعبد غيره و لا نشرك به.